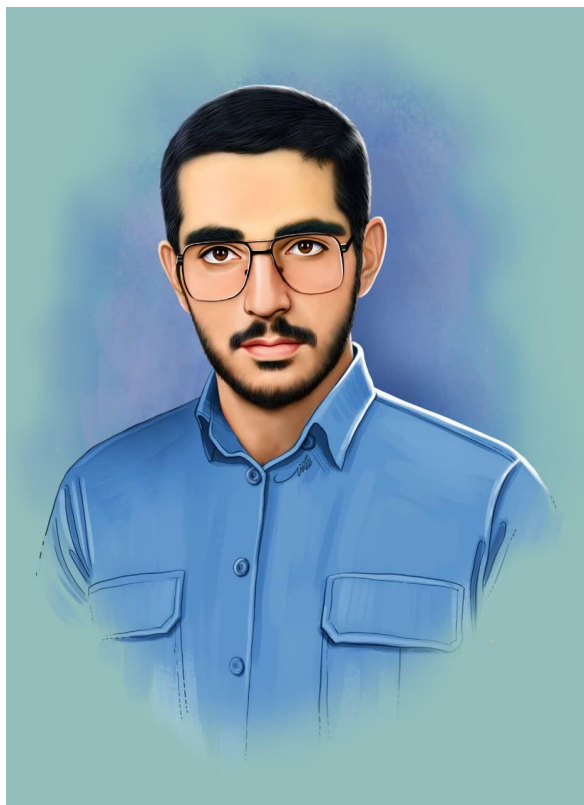


شهید خلیل فخرایی



نام پدر	محمد
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۱۱/۰۷
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۵/۰۲
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانشجو
تحصیلات	دانشجو
مدفن	دیر

زندگینامه

شهید خلیل فخرایی، در سال ۱۳۴۷ در روستای دمیگز، از توابع شهرستان دیر در خانواده مومن و معتقد، دیده به جهان گشود. از کودکی تحت تربیت اسلامی نزد خانواده اش پرورش یافت. در بین بستگان و همسایگان به حسن اخلاق شهره بود. از همان اوایل دوران تحصیل، علی رغم همه ی مشکلات، از شاگردان ممتاز به شمار می رفت. کلاس چهارم ابتدایی شهید، مقارن با اوج انقلاب اسلامی بود. پس از اتمام دوران ابتدایی که با پیروزی انقلاب اسلامی، همزمان بود؛ در مدرسه راهنمایی و نیز در بسیج به تلاش و فعالیت پرداخت و این مرحله از دوران تحصیل را همراه با فعالیت های فوق برنامه در انجمن اسلامی مدرسه به پایان رسانید. به درخواست وی و تعدادی از دانش آموزان مستعد و فعال شهر، رشته علوم تجربی در دبیرستان آیت الله طالقانی دیر راه اندازی شد.

شهید از حیث اخلاق و دانش اندوزی، الگویی برای سایر دانش آموزان بوده و مورد توجه و علاقه خاص دبیران بود. در دبیرسان به عنوان عضو برجسته انجمن اسلامی و در محل از اعضای فعال پایگاه مقاومت بسیج خانم الانبیا (ص) بود. علاوه بر این، هنرمندی مفید، با ابتکار و خلاق شناخته می شد و در گروه هنری شهید کشاورز، فعالیت داشت و بهترین بازیگر نمایشنامه خون سبز معرفی شد.

از همین دوران، شهید خود را برای راه یافتن به مراکز عالی و ادامه تحصیل در دانشگاه آماده می نمود. در خرداد ماه سال ۱۳۶۶ با نهایت سعی و تلاش شبانه روزی موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و در همان سال در کنکور سراسری شرکت نمود که با رتبه ۱۹۲ در رشته ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران پذیرفته شد. پس از طی موفقیت آمیز اولین ترم تحصیلی در دانشگاه، برای لیبیک به ندای حق طلبانه امام امت و پاسداری از خون شهیدان و ستیز با دشمن غدار، طی چهار مرحله در تاریخ های ۱۹/۴/۱۳۶۳، ۵/۱۲/۱۳۶۳، ۱۷/۹/۱۳۶۴ و ۱۸/۳/۱۳۶۷ موفق شد در جبهه های نبرد حق علیه باطل حاضر شود.

شهید فخرایی، علی رغم تأکید مسئولین گردان مبنی بر ماندن در بهداری گردان، حضور در صحنه درگیری و خط مقدم نبرد را پذیرفت و با رشادت و شجاعت خود، در گردان امام حسین (ع) با دشمنان اسلام جنگید و در پاتک سراسری دشمن بعثی، پس از پذیرش قطعنامه، در تاریخ ۲/۵/۱۳۶۷ در منطقه شلمچه به آرزوی همیشگی اش که شهادت بود، نائل آمد و انتظار مردم دیر که می گفتند در آینده پزشکی متعهد، خدمتگزار و بومی در دیارشان مشغول به خدمت می شود، پایان تلخی یافت.

وصیت نامه

سم الله الرحمن الرحيم

و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لا کن لا تشعرون

«بقره-۱۵۴»

و نگویید برای آن کسانی که کشته می شوند در راه خدا که ایشان مردگانند، بلکه ایشان زنده اند و لیکن شما درک نمی کنید زنده بودن ایشان را.

با حمد و سپاس به درگاه ذات مقدس الهی و با سلام به مهدی موعود قائم آل محمد و نائب بر حق ایشان رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی و با سلام به شما امت حزب الله و خانواده های شهدا، اسرا و مفقودین.

بارالها! دنیا جای آزمایش است و مدافعت همچون دژی استوار مقابل شیطان های درونی و مادیات دنیا از این آزمایش عبور می کنند، اما من نتوانستم تو را حمد و سپاس گویم حتی به اندازه ی آن چه بر من واجب بود.

خداوندا! بر من رحم کن از آتش به حق تو هراسناکم و کسی نیست جز تو که مرا از این آتش سوزان نجات دهد.

امت حزب الله: اکنون که اسلام راستین با خون این شهیدان جان گرفته و می رود که گوی همه قایلیان زمان را بفشارد و خون هابیلیان را از آنان بگیرد به کمک شما احتیاج دارد، شما مسلمین باید با هم متحد شده و اسلام را یاری کنید. دنیا معبر آزمایش است، هم اکنون که نوبت آزمایش ماست اگر ما این اسلام عزیز را یاری کردیم از این آزمایش رد شده ایم و گر نه، مسلمان نیستیم. گفتارهای امام را با جان و دل پذیرفته، پیرو خط ولایت فقیه در هر زمان باشیم.

دعا ها، نمازهای جمعه و جماعات را هر چه باشکوه تر برگزار کنید که اسلام و مسلمین از همین ها زنده ایم. کتاب آسمانی ما مسلمانان و کتاب های مفید اسلامی دیگر را احیا و زنده کنید و از زیر گرد و غبار کتابخانه ها خارج کنید. و این پیام هر شهید است که بر ابر قدرت ها بگویند ملتی که این چنین فرزندان داشته باشد هرگز شکست نخواهد خورد. چون که برای این چنین ملتی شهادت، مرگ نخواهد بود و اصولاً در قاموس شهادت واژه وحشت نیست و کسی که شهید می شود از بین نمی رود و همان طور که شهید مظلوم بهشتی می گوید: «کسی که شهید می شود نمی میرد بلکه زنده می شود ما نیز موقعی زنده می شویم که شهید شویم.» و دیگر آن که شهادت افتخار ملت ما و هر مسلمان آزاده است، چون که برتر از زندگی با ظالمان است و آرمان و آرزوی هر شهید بریدن زنجیرهای بردگی و ظلم در جهان و برقراری عدل و داد در جهان که اولین قدم آن آزادی قدس و مسلمین لبنان و فلسطین، این خاک عزیز است.

بارالها! اگر قابل هستم آرزو دارم که جسد من تکه تکه شود تا این که در مقابل شهدای گمنام و مفقودالآثر و شهدای صحرای کربلا آن چنان شرمسار نباشد. آخر بگویم که آن کسانی که هنوز خط آن ها مخالف خط خونین حسینی که همانا خط خمینی و ملت ایران است زیر جنازه من حاضر نشوند و هم اکنون که این جمله را شنیدند بلند شوند و بروند، من نمی خواهم این افراد در تشییع جسد شرکت نمایند. مردم شهید پرور دیر، خطا کاری ها و کجروی های فرزند خود را ببخشید.

فرزند حقیر شما: خلیل فخرایی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران